

تحلیل نظری وضعیت مطلوب تصاعدی بودن مالیات‌های مستقیم و غیر مستقیم با الهام از زکات و خمس

ناصر الهی^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۲/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۰۴/۱۱

چکیده

رشد اقتصادی و توزیع عادلانه درآمد دو هدف مهم هر اقتصادی به شمار می‌روند. از آنجا که مالیات ابزار سیاستی بسیار مهمی است که اثر آن بر متغیرهای زیادی از جمله نظام انگیزشی و انتخاب کار، فراغت و در نتیجه رشد اقتصادی، ترکیب تولید ناخالص داخلی^۲ و تغییر نسبت مصرف به تولید ناخالص داخلی، توزیع درآمد، بودجه دولت، و حتی محیط زیست قابل توجه است؛ نظام مالیاتی از حساسیت خاصی برخوردار است. این مقاله با تأمل در دو فرع عبادی-مالی اسلام، زکات و خمس، و درسی که می‌توان از این دو گرفت، درصدد است راهبردی جهت تنظیم نظام مالیات اسلام ارایه دهد. هدف این راهبرد افزایش هم زمان رشد اقتصادی و توزیع درآمد عادلانه است. همان گونه که یان تینبرگن برنده جایزه نوبل نشان داده است که برای تحقق اهداف اقتصادی چندگانه باید به تناسب هر هدف، ابزاری را استخدام نمود (تینبرگن، ۱۹۵۶: ۶)، این مقاله درصدد است که نشان دهد اسلام برای تحقق دو هدف متفاوت در تنظیم نظام مالیه چه تدبیری اندیشیده است.

واژه های کلیدی: تصاعدی بودن مالیات‌های مستقیم و غیر مستقیم، زکات، خمس

۱- عضو هیأت علمی دانشگاه مفید قم Email.elehi@mofidu.ac.ir

۱- مقدمه

رشد اقتصادی و توزیع عادلانه درآمد دو هدف مهم هر اقتصادی به شمار می‌روند. طرح دو دیدگاه، نسبتاً به صورت همزمان، در آغاز نیمه دوم سده بیستم به نحوی تشدید نابرابری را پیش نیاز رشد اقتصادی می‌دانست. جالب این که در هر دو دیدگاه رشد اقتصادی، زمینه را برای توزیع عادلانه درآمد فراهم می‌ساخت. دیدگاه اول توسط آرتور لویس (۱۹۵۴)، برنده جایزه نوبل، بر مبنای لزوم انباشت سرمایه و نظریه «رخنه به پایین»^۱ شکل گرفت. منطق این نظریه به طور ساده بدین قرار است که از آنجا که میل نهایی به مصرف در دهک‌های بالای درآمدی کمتر است پس نابرابری درآمدی موجب افزایش پس انداز و در نتیجه افزایش ذخیره سرمایه و رشد بیشتر می‌شود. با تحقق یافتن رشد اقتصادی، آرام آرام درآمد دهک‌های پایین افزایش می‌یابد و سطح درآمد سرانه در مسیر همگرایی قرار می‌گیرد و توزیع درآمد عادلانه می‌شود.

دیدگاه دوم مربوط به سیمون کوزنتس (۱۹۵۴) یکی دیگر از برندگان جایزه نوبل است که بر اساس شواهد آماری نشان داد که با افزایش رشد، نابرابری نیز با نرخ کاهنده افزایش می‌یابد ولی پس از مدتی با افزایش رشد نابرابری کاهش می‌یابد. در نتیجه، رابطه نابرابری با رشد به صورت U معکوس خواهد بود. علی‌رغم ادبیات گسترده نظری، هنوز هیچ وفاقی بین اقتصاددانان در نحوه رابطه بین رشد اقتصادی و توزیع درآمد بوجود نیامده است و مطالعات تجربی نیز به نتیجه قاطعی نرسیده‌اند (سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی، ۲۰۱۲: ۱۰).

از آنجا که مالیات ابزار سیاستی بسیار مهمی است که اثر آن بر متغیرهای زیادی از جمله نظام انگیزشی و انتخاب کار، فراغت و در نتیجه رشد اقتصادی، ترکیب تولید ناخالص داخلی^۲ و تغییر نسبت مصرف به تولید ناخالص داخلی، توزیع درآمد، بودجه دولت، و حتی محیط زیست قابل توجه است؛ نظام مالیاتی از حساسیت خاصی برخوردار است. تا قبل از گسترش نظریه‌های لویس و کوزنتس، کشورها نظام مالیات مستقیم را معمولاً به صورت تصاعدی طراحی می‌کردند تا اثرات توزیعی آن چشمگیرتر باشد و تأمین درآمد مالیاتی مورد نیاز فشار زیادی را بر اقشار محروم ایجاد نکند. «اولین طراحی نظام مالیاتی ایران در سال ۱۳۴۵ صورت گرفت و در واقع این طراحی، نظام مالیات‌های مستقیم را مورد توجه خود قرار داد. شاید در نگاه نخست به این مجموعه قوانینی که

1 . Trickle down

2 . GNP

قانون مالیات‌های مستقیم را شامل می‌شود، نرخ‌های تصاعدی و قوانین مختلف برای انواع درآمدها جلب توجه کند" (یزدبان، ۱۳۸۳: ۱۵).

پس از گسترش نظریه‌های لوئیس و سیمون، چالش‌های جدی در زمینه نظام مالیات مستقیم تصاعدی مطرح گردید و کارایی این نظام مالیاتی، نقش آن در شکل‌گیری سرمایه، اثر توزیعی آن و نقش آن در رشد مورد بحث قرار گرفت. در ایران نیز قانون مالیات مستقیم ۱۳۴۵ که به صورت تصاعدی تنظیم شده بود در سال ۱۳۶۶ مورد بررسی قرار گرفت و درجه تصاعدی آن با توجه به فضای جنگ و انقلاب افزایش یافت و حتی به نرخ ۷۵ درصد رسید. اصلاحیه قانون مالیات‌های مستقیم سال ۱۳۸۰، تحت تأثیر ادبیات جهانی و آثار مخربی که اجرای قانون ۱۳۶۶ بر فعالیت شرکت‌ها گذارده بود، گام مثبتی در جهت کاستن درجه تصاعدی مالیات‌های مستقیم تلقی می‌شود. به گفته یزدبان (۱۳۸۳: ۱۸) "اصلاحیه قانون مالیات‌های مستقیم سال ۱۳۸۰ دو تغییر عمده را در این قانون ایجاد کرد. "... اولین مورد عمده، حذف قانون مالیات بر مجموع در آمد و دومین مورد، تغییر در نرخ مالیات شرکت‌ها است." در هر دو تغییر، کاهش ملموس تصاعدی بودن نرخ مالیات مستقیم آشکارا به چشم می‌خورد.

این مقاله با تأمل در دو فرع عبادی- مالی اسلام، زکات و خمس، و درسی که می‌توان از این دو گرفت، درصدد است راهبردی جهت تنظیم نظام مالیات اسلام ارائه دهد. هدف این راهبرد افزایش هم زمان رشد اقتصادی و توزیع درآمد عادلانه است. همان گونه که یان تینبرگن برنده جایزه نوبل نشان داده است که برای تحقق اهداف اقتصادی چندگانه باید به تناسب هر هدف، ابزاری را استخدام نمود (تینبرگن، ۱۹۵۶: ۶)، این مقاله درصدد است که نشان دهد اسلام برای تحقق دو هدف متفاوت در تنظیم نظام مالیه چه تدبیری اندیشیده است.

این مقاله به جز مقدمه در ۵ بخش تنظیم شده است. بخش اول به اهمیت و مختصات رشد اقتصادی و توزیع عادلانه درآمد در اسلام اشاره می‌کند. در بخش دوم تلاش می‌شود که تدبیر اسلام در ایجاد مسیر پویای بهینه برای تقرب به این دو هدف والا درک شود. در بخش سوم نیازمندی نظام مالیاتی اسلام به اخلاق، مورد مطالعه قرار می‌گیرد. در بخش چهارم با انجام یک شبیه سازی در زمینه خمس نشان داده می‌شود که مشروط به پشتیبانی اخلاق و مال اندیشی، اجرای خمس می‌تواند به توزیع عادلانه ثروت بینجامد. در نهایت، مقاله با نتیجه گیری و جمع بندی به پایان می‌رسد.

۲- اهمیت و مختصات رشد اقتصادی و توزیع عادلانه ثروت

۲-۱- مختصات رشد اقتصادی از نظر اسلام

آیات زیادی در قرآن مجید وجود دارد که نظام انگیزشی انسان به عنوان خلیفه خدا^۱ و تسخیر کننده آسمانها و زمین^۲ را بر می‌انگیزاند تا شکر نعمت‌های او را بجای آورد. اگر شکر را به معنای بکارگیری نعمت‌های خداوند به بهترین وجه به صورت سپاسمندانانه تعریف نماییم، آنگاه شکر متضمن مفهوم ایجاد حداکثر کارایی خواهد بود. خداوند در آیه ۶۱ سوره هود می‌فرماید «هو انشاکم من الارض و استعمرکم فیها» یعنی او شما را از زمین پدید آورد و شما را به عمران و آبادی آن واداشت. بنابراین عبادت خداوند اقتضا می‌کند که به بهره‌برداری از مواهب طبیعی اهتمام جدی صورت گیرد و مسلماً این تلاش نایستی آهنگ تخریب محیط زیست داشته باشد. آیات متعددی در قرآن وجود دارد که فساد در زمین را بر نمی‌تابد.

در سوی دیگر، خلیفه خداوند بایستی مظهر اسماء خدا باشد لذا ظهور دو اسم خلاق و بدیع انسان را به خلاقیت و نوآوری سوق می‌دهد. در مجموع ملاحظه می‌شود که جهان بینی اسلامی و آموزه‌های قرآنی فضایی را بر زندگی حاکم می‌سازد که آهنگ رشد اقتصادی پایدار دارد و با معطل ماندن هیچ منبع اقتصادی سازگار نیست.

بر این اساس، می‌توان مختصات و مؤلفه‌های رشد اقتصادی را از دیدگاه اسلام در بکارگیری همه منابع اقتصادی در حد اشتغال کامل و تلاش برای نوآوری و افزایش رشد، پیشرفت فنی، افزایش نظام انگیزشی، و سازگاری با محیط زیست دانست. بدیهی است که نظام مالیاتی به عنوان یک خرده نظام باید با مؤلفه‌های فوق سازگار باشد.

۲-۲- مختصات توزیع ثروت در اسلام

درآمد یک متغیر جریانی^۳ و ثروت یک متغیر انباره^۴ است. درآمد می‌تواند ناشی از کار یا بازدهی سرمایه باشد. ثروت یا دارایی خالص (دارایی پنهانی بدهی) در حقیقت از انباشت پس اندازها حاصل می‌شود. به نظر نویسنده، اسلام می‌خواهد که همه خانوارها از مصرف کفافی آبرومندانانه برخوردار

۱- اشاره به آیه ۳۰ سوره بقره.

۲- اشاره به آیه ۱۳ سوره جاثیه: و سخر لکم ما فی السماوات... «یعنی و آنچه را در آسمانها و آنچه را که در زمین است مسخر شما کرد که همه از اوست. قطعاً در این [امر] برای مردمی که می‌اندیشند نشانه‌هایی است.»

3. Flow Variable

4. Stock Variable

باشند و در عین حال توزیع ثروت نیز در جامعه متعادل باشد. بنابراین در این مقاله به جای توزیع عادلانه درآمد از توزیع عادلانه ثروت استفاده شده است.

با توجه به این که «کتاب الحیاه» با کوشش محمدرضا حکیمی و برادران تلاش زیادی در تنظیم مختصات اقتصادی به ویژه توزیع ثروت انجام داده اند، این بخش را بر اساس نظرات مطرح شده در این کتاب و تفسیرهای انجام شده از آن توسط نویسنده اصلی در سایر نوشته‌ها به پایان می‌بریم. نکته معماگونه مساوات و تأثیر آن بر نظام انگیزشی در بخش بعدی مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرد.

محمدرضا حکیمی و برادران در مجموعه کتاب الحیاه معتقدند که در اسلام مساوات یک اصل بنیادین است (آرمان مهر، ۱۳۸۵: ۱۴۳). حکیمی (۱۳۸۳: ۶۰-۵۹) مساوات در مصرف را وجه تمایز جامعه اسلامی می‌داند و می‌نویسد: «پس از بررسی اخبار زکات به این نتیجه رسیدیم که اخبار و احادیث زکات، تساوی مصرف را برای همه افراد و خانوارهای جامعه اسلامی لازم می‌شمارد. یعنی در اسلام، تفاوت در مالکیت و آزادی آن، تا حدودی، و با قیودی که شرع تعیین کرده، پذیرفته است، لیکن در مصرف نظر اسلام این است که باید مردمان... مساوی باشند و اگر در مواردی، طبق دین و منطق زندگی، استثنایی ضرورت یافت ملحوظ گردد. ما به واقع به این نتیجه رسیدیم، لیکن در نهایت، لزوم مساوی بودن مصرف همگان را به صراحت مطرح نکردیم، به خصوص که برادران محترم تأکید داشتند که چیزی به صورت فتوی ادا نشود».

حکیمی با غایتی مساوات‌نگر به مقوله عدالت توجه دارد و ۲۲ اصل در تأکید و تأکید اصل مساوات به عنوان غایت نهایی می‌پردازد، به گونه ای که حتی هدف نهایی اصل عدالت و توازن نیز مساوات است. آرمان مهر (۱۳۸۵: ۱۴۶-۷) این ۲۲ اصل را در ۸ اصل زیر خلاصه می‌نماید:

- | | |
|---------------------------------|-----------------------------|
| اصل ۱. عدالت و توازن اقتصادی | اصل ۵. قوامیت و اعتدال مالی |
| اصل ۲. احسان و هماهنگی معیشت ها | اصل ۶. کرامت انسانی |
| اصل ۳. برادری و مساوات | اصل ۷. تساوی در آفرینش |
| اصل ۴. تعمیم امکانات معیشتی | اصل ۸. توحید |

همان گونه که آشکار است، برداشت حکیمی و برادران به عنوان متخصصان بلندپایه اخبار، لزوم تساوی مصرفی و توازن درآمدی است؛ در حالی که فقها در حال حاضر به شرط اجتناب از مکاسب محرمه، و رعایت احکام مربوط به کسب و کار، و تأدیة واجبات مالی در مورد توزیع درآمد و ثروت قید مازادی ندارند و در مورد مصرف نیز جز حلیت، پرهیز از اسراف و تبذیر حکم دیگری را مطرح نمی کنند. آری در تعیین خمس مازاد بر مؤنه سنه، برخی از فقهاء از جمله امام خمینی معتقدند که مازاد بر مصرف شأنی مشمول خمس می باشد. در بخش بعدی نشان داده خواهد شد که انضمام نظام اخلاقی اسلام به نظام فقهی می تواند در رفع این خلأ مؤثر باشد.

۲-۳- طرح اسلام در ایجاد و تقویت رشد پایدار و توزیع عادلانه ثروت

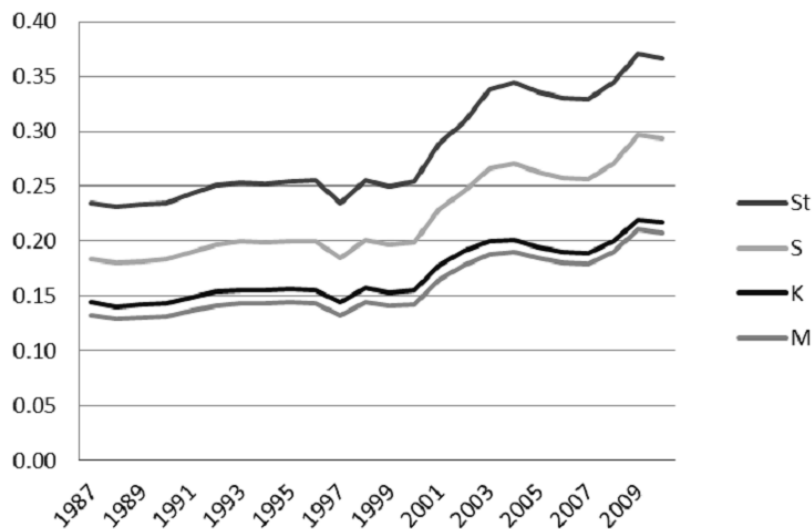
سؤال اساسی که در این بخش مطرح است این است که چگونه طرح غایت عدالت به مثابه تساوی که توسط حکیمی و برادران از مجموعه منابع سندی (قرآن و سنت) اسلام استخراج گردیده است، می تواند محرک خوبی برای رشد اقتصادی باشد. تاریخ اتحاد جماهیر شوروی و هم پیمانانش نشان داد که تلاش های مساوات طلبانه، کارایی را به تحلیل می برد و رشد اقتصادی را کاهش می دهد و در نهایت منجر به فروپاشی و گذار به نظام رقابتی بازار می گردد. بر این اساس طرح اسلام با طرح سوسیالیستی کمونیستی چه تفاوتی دارد؟ سؤال دیگری که به موازات سؤال های فوق مطرح است تفاوت طرح اسلام با طرح اقتصاد متداول است. این بخش در مباحث زیر به این سؤال ها پاسخ داده می شود.

۲-۴- نظام مالیات مستقیم و مالیات غیر مستقیم در اقتصاد متداول

نظام مالیات مستقیم در همه کشورها حتی پس از نظریه های لوئیس و کوزنتس و پس از فروپاشی شوروی عملاً نظام مالیات تصاعدی به شمار می رود. با توجه به این که کمی ساختن درجه تصاعدی بودن مالیات ها نیازمند اتخاذ رویکردی مناسب است مطالعات زیادی در این زمینه صورت گرفته تا رویکرد مناسب را شناسایی و بر اساس آن شاخص سازی نمایند. کیفیر (۲۰۰۵) این رویکردها را جمع آوری و به صورت خلاصه گزارش کرده است. یکی از این رویکردها، رویکرد توزیعی است. بر اساس این رویکرد شاخص هایی ساخته شده است که در مقاله تموتی متیوز (M) (۲۰۱۱) شاخص ایشان در مقایسه با سه شاخص دیگر؛ ستروپ (ST) سوتیز (S)، کاکوانی (K) مورد بررسی قرار گرفته است.

عدد شاخص تصاعدی توزیعی^۱ نه تنها به سیاست مالیاتی بستگی دارد بلکه وابسته به سطوح درآمدی و نحوه‌ی توزیع نیز می‌باشد.

نمودار (۱) - شاخص تصاعدی بودن مالیات بر اساس چهار شاخص از (۱۹۸۷-۲۰۱۰)



منبع: تیموتی، ۲۰۱۱: ۱۱

در نمودار (۱) روند تغییرات این چهار شاخص در آمریکا نشان داده شده است. همان گونه که این نمودار مشخص می‌سازد شاخص تصاعدی در تمامی دوره مورد بررسی بزرگتر از صفر است و این نشان می‌دهد که مالیات بر درآمد همواره تصاعدی بوده است.

در نظام مالیات غیر مستقیم، یکی از شیوه‌های مرسوم، مالیات بر ارزش افزوده است. سهولت جمع آوری مالیات و صعوبت فرار مالیاتی، آن را به نظام نسبتاً ایده‌آلی تبدیل نموده است. مشکل مهمی که در این زمینه وجود دارد تنازلی^۲ بودن آن است. تحلیل نظری تنازلی بودن آن بسیار ساده است. چون میل نهایی به مصرف در دهک‌های پایین درآمدی بیش از دهک‌های بالای درآمدی است، لذا فقیران درصد زیادتری از درآمد خود را صرف پرداخت مالیات می‌کنند (به آقایی و کمیجانی، ۱۳۸۰ و لشکری ۱۳۹۰ نگاه کنید). در بعد تجربی نیز رابطه تنازلی بودن آن مورد بررسی‌های زیادی قرار گرفته است. طیب نیا و همکاران (۱۳۸۴) در دو نرخ ۷٪ و ۱۰٪ و هر کدام با دو سناریو «با

1. Distributional Progressivity Index

2. Regressive

معافیت» و «بدون معافیت» به بررسی اثرات توزیعی مالیات بر ارزش افزوده پرداخته‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که اجرای لایحه مالیات بر ارزش افزوده در گزینه‌های مختلف پیشنهادی تأثیری در تغییر توزیع درآمد جامعه ایران ندارد. آنچه که این مطالعه تلاش در نفی آن دارد این است که تأثیر سوء مالیات بر ارزش افزوده بر توزیع درآمد است. یعنی بر اساس تحلیل، این مالیات باید وضعیت دهک‌های پایین درآمدی را نسبت به دهک‌های بالا و خیم‌تر سازد ولی در فضای ایران وضعیت به گونه‌ای نیست که این اثر سوء قابل توجه باشد. به هر حال، از این که این مالیات نمی‌تواند در عادلانه‌تر ساختن توزیع درآمد نقش داشته باشد، جای تردید وجود ندارد.

به طور کلی، نظام مالیات تصاعدی مستقیم، نظام انگیزشی را تخریب می‌کند و نظام مالیات غیر مستقیم متداول تنازلی (مالیات بر ارزش افزوده)، نظام توزیع را عادلانه می‌سازد. بنابراین مالیات در اقتصاد متداول نمی‌تواند کمکی به رشد اقتصادی بکند و تمامی اثر توزیعی آن معطوف به مالیات مستقیم است که ممکن است بخشی از این اثر توزیعی با ماهیت تنازلی مالیات بر ارزش افزوده خنثی شود.

۲-۵- ویژگی‌های زکات و خمس در بعد رشد اقتصادی و توزیع درآمد

تردیدی نیست که واجبات مالی طراحی شده در اسلام، آن گونه که در نظرات فقهی فقهای شیعه منعکس شده است، منبع کافی برای تأمین مالی دولت و تحقق اهداف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی محسوب نمی‌شود و برآوردهای انجام شده از زکات و خمس بالقوه نیز تکافوی گوشه‌ای از نیازهای گسترده دولت و نظام حکومتی نمی‌نماید. از این رو، برای نهادهای تصمیم‌گیر مربوط جای تردیدی باقی نگذارده است که بایستی مالیات‌های مستقیم و غیرمستقیم دیگری به موازات واجبات مالی طراحی و اعمال شود.

در عین حالی که این مقاله تردیدی در روایی و لزوم طراحی مستقل نظام مالیاتی به صورت موازی ندارد، بر ضرورت استخراج و استنباط ویژگی‌های مندرج در واجبات مالی و توجه به این ویژگی‌ها در طراحی نظام مالیاتی تأکید و اصرار دارد. ممکن است برخی از دانشوران اسلامی تصور کنند که چنین روندی ممکن است به قیاس بینجامد در حالی که روش شناسی قیاس در اصول فقه مذهب جعفری مردود و باطل شناخته شده است. باید توجه داشت که اولاً در طراحی نظام مالیاتی متداول کسی ادعا ندارد که این نظام در چارچوب احکام فرعی فقهی می‌گنجد تا اصولاً این نگرانی پیش بیاید که طراحی بر اساس قیاس صورت گرفته است. اساس و مبنای این طراحی، حفظ و

تدارک مصلحت عمومی است که مبنای احکام حکومتی را تشکیل می‌دهد و در تدوین احکام حکومتی آنچه که اهمیت دارد این است که اثبات شود یا دست کم اطمینان حاصل شود که طراحی نظام مورد نظر این توانایی را برای حفظ و تدارک مصلحت عمومی دارد. بدیهی است که این طراحی نیازمند بررسی تمامی نظام‌های جایگزین و بدیل در پهنه جهانی و در طول تاریخ است و چه بهتر در طراحی این نظام به ویژگی‌های قابل فهم در واجبات مالی نیز توجه اساسی مبذول گردد. ثانیاً در اصول فقه مذهب جعفری، مرز قیاس و تنقیح مناط مورد بررسی‌های دقیق و موشکافانه واقع شده است. قیاس اصولی، دقیقاً همان تمثیل منطقی است که بر اساس آن حکم موضوعی با تصور ادنی مشابهت، قابل تسری به موضوع دیگر است در حالی که در روش شناسی تنقیح مناط، تلاش بر این است که مناط تعلق حکم به موضوع مورد بررسی قرار گیرد در صورتی که اطمینان قطعی حاصل شود که مناط تعلق حکم، خصوصیت و ویژگی خاصی است، آنگاه حکم به تمامی موضوعاتی که واجد آن مناط هستند سرایت می‌یابد. بدون تردید اگر کسی بخواهد در چارچوب اصول فقه به استخراج احکام فرعی بپردازد نمی‌تواند بر اساس تأمل بر ویژگی‌های واجبات مالی حکم آن را به نظام مالیاتی سرایت دهد مگر این که با اطمینان قطعی این ویژگی‌ها را مناط تعلق حکم بداند. اما اگر در صدد طراحی نظام مالیاتی در چارچوب احکام حکومتی، و حفظ و تدارک مصلحت عمومی، تحقق اهداف مورد نظر باشیم سازگاری بیشتر آن با واجبات مالی مطلوب خواهد بود؛ به ویژه وقتی که باور ما این باشد که از یک سو احکام شرعی بر اساس مصالح و مفاسد واقعی وضع شده‌اند و از سوی دیگر، اهداف نظام مالیاتی با اهداف اسلامی سازگاری و تطابق دارند.

۲-۵-۱- ویژگی‌های زکات به مثابه مالیات مستقیم

عبادی بودن زکات: یکی از ویژگی‌های عام در واجبات مالی و حتی انفاقات مستحب، لزوم یا مطلوبیت بعد عبادی آن است. عبادی بودن منبعث از جهان بینی اسلامی و ایمان است و انجام عمل عبادی از سوی دیگر بر افزایش ایمان و ارتقای سطح جهان بینی اسلامی اثر می‌گذارد. فرایند تأثیر و تأثر متقابل ایمان و عمل صالح، خصلت‌های اخلاقی خاصی را در جامعه نهادینه خواهد نمود. الهی (۱۳۹۰) در چارچوب مدل رشد افق محدود (رمزی، کس، کوپمانز) نشان داده است که مآل اندیشی و توجه به رفاه دیگران (یعنی کاهش ترجیحات بین زمانی «□») موجب تعمیق سرمایه می‌گردد و

مصرف تعادلی مسیر رشد^۱ به سطح مصرفی را به مصرف قاعده طلایی نزدیک تر می‌سازد. او نشان داده است که چگونه یکی از واجبات اسلامی (حج) بنیاد خانواده را متحول می‌سازد و مؤمنین را وادار می‌کند تا با احساس عضویت همه مردم، در تمامی عصرها و نسل‌ها، در خانواده آنها، به سمت شکل گیری خانوار با افق بلندمدت پیش روند و با ایجاد تغییرات کیفی در سایه جهان‌بینی اسلامی، میزان مال اندیشی را افزایش دهند. در نتیجه ویژگی عبادی بودن خمس، زکات و سایر صدقات واجب و مستحب تأثیر شگرفی بر مناسبات فردی و اجتماعی بر جای می‌گذارد.

معافیت در زیر حد نصاب: عنصر «معافیت» یکی از عناصر مهم زکات به شمار می‌رود. هرچند که آموزه‌های اسلامی انسان را به کار و کوشش فرا می‌خواند و انسان تلاشگر را مانند مجاهد در راه خدا^۲ تلقی می‌کند و دست دهنده را والاتر از دست گیرنده^۳ می‌داند، اما عوامل ناکامی انسان در تأمین حداقل درآمد گاهی خارج از خواست و اراده‌ی انسان است. از این رو، زکات پس از احراز حد نصاب به مال تعلق می‌گیرد. این معافیت گاهی بر حسب میزان محصول (درآمد) به عمل آمده محاسبه می‌شود مانند زکات بر غلات چهارگانه (گندم، جو، خرما و کشمش) و گاهی بر ثروت مانند زکات بر نقدین و انعام سه گانه (گوسفند و گاو و شتر). منطق اقتضا می‌کند^۴ که بازدهی ذخیره سرمایه در نقطه‌ی حد نصاب برابر با درآمد حاصل از کشت و زرع و فرآوری محصولات باغی باشد و در عین حال هر کدام به تنهایی بتواند مصرف حدکفاف خانواده را در شرایط معمول تأمین نماید. در این زمینه، پاداش و فضیلت پرداخت زکات و کسب مقام‌های معنوی‌ای که در تعالیم اسلامی برای پرداخت کنندگان زکات در نظر گرفته شده بود متدینان را به عبور از حد نصاب و قرار گرفتن در زمره‌ی پرداخت کنندگان زکات فرا می‌خواند و در صورت عدم توفیق به دلایل خارج از اختیار، آنها را از پرداخت زکات معاف می‌سازد. بنا بر این کارکرد عنصر فرهنگی (ترغیب به کار و تلاش) موجب

1 - Balanced Growth Path

۲ - کلینی، ج ۵، ص ۸۸: علی بن ابراهیم، عن أبيه، عن ابن أبي عمير، عن حماد بن عثمان، عن الحلبي، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: الكاد على عياله كالمجاهد في سبيل الله.

۳ - صحيح مسلم رقم (۲۴۳۲): عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُمَرَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ -صلى الله عليه وسلم- قَالَ وَهُوَ عَلَى الْمِنْبَرِ وَهُوَ يَذْكُرُ الصَّدَقَةَ وَالْتَحَفَ عَنِ الْمَسْأَلَةِ: «الْيَدُ الْعُلْيَا خَيْرٌ مِنَ الْيَدِ السُّفْلَى وَالْيَدُ الْعُلْيَا الْمُتَّقَةُ وَالسُّفْلَى السَّائِلَةُ»

۴ - البته در نقدین، زکات می‌تواند اهرم بازدارنده‌ای ضد کنز و در جهت تأمین مالی پروژه‌های اقتصادی تلقی شود.

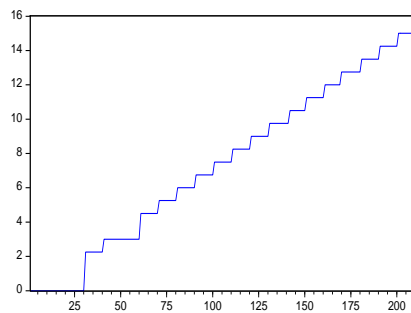
نمی‌شود که تعیین حدنصاب مانعی جدی برای رشد اقتصادی به حساب بیاید بلکه کارکرد حد نصاب صرفاً برای تأمین سطح کفاف آبرومندانه بوده است.

خوشه‌ای بودن زکات ذخیره سرمایه: همان گونه که گفته شد زکات بر محصولات

چهارگانه زراعی و باغی، زکات بر درآمد (به عنوان متغیر جریانی) و زکات بر دام‌های سه گانه و طلا و نقره مسکوک، زکات بر ذخیره سرمایه (به عنوان متغیر انباره) محسوب می‌شود. طرح پلکانی زکات همان گونه که در نمودارهای (۲) تا (۶) منعکس است - به نحوی بیانگر این است که تعلق تابع تولید به هر خوشه‌ای، زکات مخصوص به خود دارد. نکته مهم‌تر این که با آغاز هر خوشه، زکات افزایش می‌یابد ولی میزان زکات تا پایین آن خوشه ثابت می‌ماند. در نتیجه، نظام انگیزشی فرد تقویت می‌شود که ذخیره سرمایه خود را تا پایان خوشه افزایش دهد.

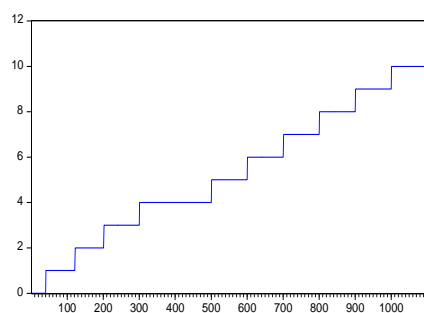
علاوه بر آن، این نحوه طراحی زکات با قانون بازدهی نهایی افق کوتاه مدت تطبیق دارد. در کوتاه مدت که معمولاً مقیاس سرمایه ثابت است بازدهی نهایی سایر عوامل متغیر تولیدی که با سرمایه ثابت تلفیق می‌شوند از بازدهی نهایی نزولی برخوردارند یعنی با افزایش عوامل متغیر، میزان تولید نهایی آنها کاهش می‌یابد ولی در بلندمدت که مقیاس سرمایه افزایش می‌یابد بازدهی نهایی سایر عوامل را به بالا جابجا خواهد نمود، در نتیجه افزایش میزان زکات، منطقی به نظر می‌آید.

نمودار (۳) - زکات گاو بر حسب گوسفند



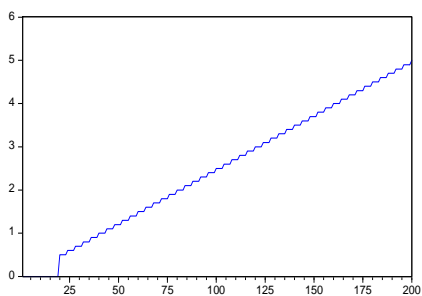
منبع: صدر ۱۳۷۴، ۱۰۵

نمودار (۲) - زکات گوسفند



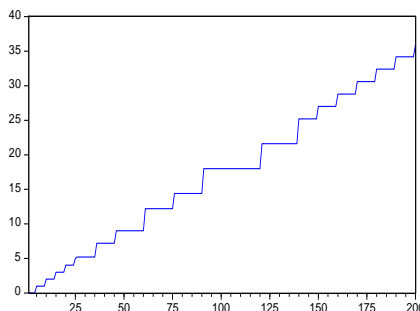
منبع: صدر ۱۳۷۴، ۱۰۳

نمودار (۵) - زکات دینار



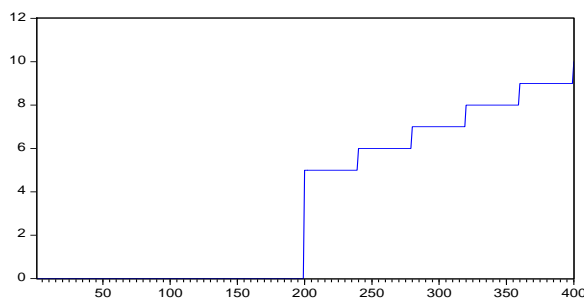
منبع: صدر ۱۳۷۴، ۱۰۰

نمودار (۴) - زکات شتر بر حسب گوسفند



منبع: صدر ۱۳۷۴، ۱۰۷

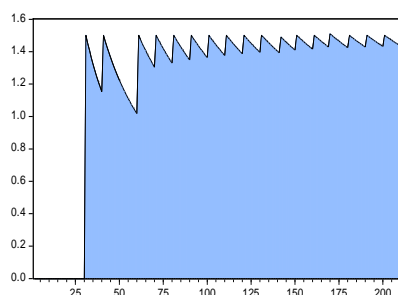
نمودار (۶) - زکات درهم



منبع: صدر ۱۳۷۴، ۱۰۰

نمودار (۸) - درصد زکات گاو بر حسب

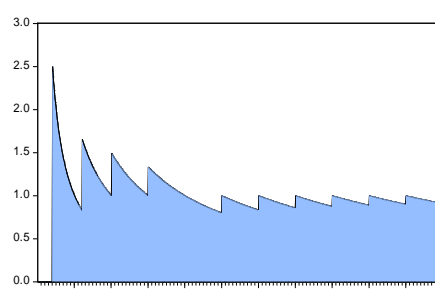
گوسفند



منبع: صدر ۱۳۷۴، ۱۰۵ و محاسبات تحقیق

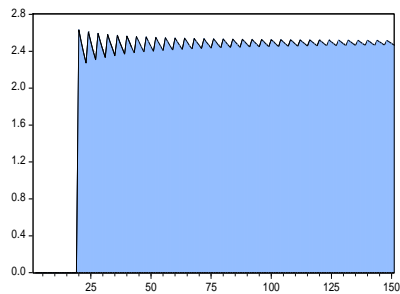
نمودار (۷) - درصد زکات در

گوسفند



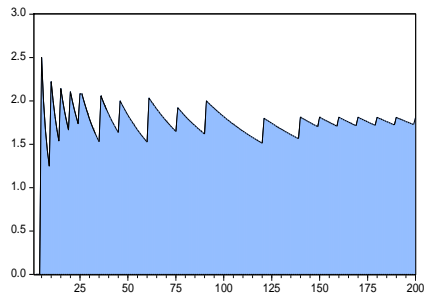
منبع: صدر ۱۳۷۴، ۱۰۳ و محاسبات تحقیق

نمودار (۱۰) - درصد زکات دینار



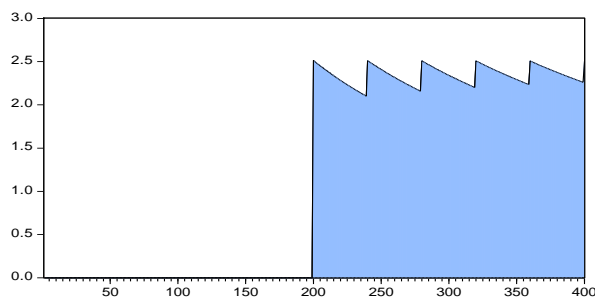
منبع: صدر ۱۳۷۴، ۱۰۰ و محاسبات تحقیق

نمودار (۹) - درصد زکات شتر بر حسب گوسفند



منبع: صدر ۱۳۷۴، ۱۰۷ و محاسبات تحقیق

نمودار (۱۱) - درصد زکات درهم



منبع: صدر ۱۳۷۴، ۱۰۰ و محاسبات تحقیق

عدم تصاعدی بودن زکات پس از احراز حد نصاب: صدر (۱۳۷۴: ۱۱۰ - ۹۹) با اتخاذ

فروضی^۱ که به نظر واقعی به نظر می‌رسد نشان داده است که زکات بر محصولات چهارگانه زراعی و فرآورده‌های باغی، دام‌های سه گانه، طلا و نقره مسکوک پس از حد نصاب، ابتدا تنازلی است ولی آرام آرام به مالیات ثابت همگرا می‌شود. در نمودارهای (۷) تا (۹) درصد زکات بر حسب واحد گوسفند در هر مورد ترسیم شده است و در نمودارهای (۱۰) و (۱۱) درصد زکات نقدین بر اساس خود آنها ترسیم شده است.

۱- فروض مربوط به زکات بر گاو بدین شرح است: ۱- هر گاو برابر با ۵ گوسفند است؛ ۲- ارزش یک گوساله سه ساله ماده برابر با ۰/۶ ارزش یک گاو است، ۳- ارزش چهار گوساله دوساله نر با سه گوساله سه ساله ماده برابر می‌باشد. فروض مربوط به شتر در سناریوی دوم که معقول‌تر به نظر می‌رسد، بدین شرح است: ۱- ارزش هر شتر معادل ۱۰ گوسفند است؛ ۲- ارزش شترهای دوساله، سه ساله، چهارساله و پنج ساله به ترتیب معادل ۵/۲، ۷/۲، ۹ و ۱۲/۲ واحد گوسفند است (صدر ۱۳۷۴ صص ۱۰۵ و ۱۰۷)

طراحی نظام زکات از بعد غیرتصادی بودن به روشنی نظام انگیزشی جامعه را در جهت رشد اقتصادی تقویت می‌نماید و نشان می‌دهد که اسلام در عین توجه به ایجاد تور حمایتی برای رهایی محرومین از وضعیت آسیب پذیر، به هیچ وجه نمی‌خواهد که نظام انگیزشی تولید در اثر نظام مالیات تصاعدی تضعیف شود.

توجه واقع بینانه به بهره‌وری سرمایه: نمودارهای (۷) تا (۹) نشان می‌دهد که درصد زکات شتر از گاو بیشتر و درصد زکات گاو از گوسفند بیشتر است. این نمودارها بر اساس فروض مندرج در پاورقی ترسیم شده‌اند. به نظر می‌رسد که نظام زکات با نظام تولید صدر اسلام تطبیق می‌کند یعنی از آنجا که بهره‌وری شتر در فعالیتهای تجاری بازرگانان بیش از بهره‌وری گاو در فعالیتهای کشاورزی بوده است و همین‌طور بهره‌وری گاو در فعالیتهای کشاورزی بیش از بهره‌وری گوسفند در صنایع غذایی و پوشاک بوده است زکات به صورت عادلانه طراحی شده است. بدیهی است بی‌توجهی به بهره‌وری سرمایه در تنظیم نظام مالیاتی موجب انحراف ترکیب سبد دارایی از وضعیت بهینه خواهد شد و به ایجاد رانت برای صاحبان سرمایه خاص می‌انجامد در حالی که وضع مالیات به تناسب بهره‌وری به هیچ وجه ترکیب بهینه سبد دارایی را بر هم نخواهد زد.

هدایت پس اندازها جهت تأمین مالی پروژه‌ها: کنز را می‌توان به انحراف پس اندازها

از بازار کارآمد مالی و در نتیجه ایجاد دشواری در تأمین مالی پروژه‌ها تعریف نمود. آهنگ تند عتاب آمیز قرآن با کنز^۱ به گونه‌ای مشهود در نرخ ۲/۵ درصدی زکات بر مسکوکات تبلور یافته است. این نرخ نسبتاً شدید مالیاتی در مقایسه با سایر اقلام دارایی به انضمام بشارت به عذاب دردناکی که به کنزورزان داده شده است می‌تواند در کارآمدسازی بازار مالی در جهت تأمین مالی پروژه‌های اقتصادی مؤثر باشد.

تناسب مالیات محصولات زراعی و فرآورده‌های باغی با رانت منابع طبیعی:

خداوند منابع طبیعی را برای مردم وضع کرده است^۲. همان‌گونه که بر اساس منطق اقتصادی عوامل تولید دیگر به تناسب تولید نهایی استحقاق دریافت دستمزد و پاداش دارند بایستی سهم منابع طبیعی

۱- سوره توبه آیه ۳۴: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن كَثِيرًا مِّنَ الْأَخْبَارِ وَالرُّهْبَانِ لِيَأْكُلُونَ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَيَصْنَدُونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ يَكْتُمُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يُنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ.

۲- سوره رحمن آیه ۱۰: وَالْأَرْضَ وَضَعَهَا لِلْأَنَامِ.

نیز از محصولات پرداخت گردد. بنابراین اگر عایدی خالص محصولات چهارگانه از حد نصاب یعنی ۸۴۷ کیلوگرم بیشتر باشد، پرداخت زکات واجب می‌شود. در محصولات دیم نرخ زکات ۱۰ درصد و در محصولات آبی نرخ زکات ۵ درصد می‌باشد. اختلاف نرخ ممکن است به این جهت باشد که سهم منابع طبیعی در روش آبیاری دیم بیشتر است. هر چه که باشد این طراحی زکات، کشاورزی را به سمت آبیاری آبی و بهره‌وری بیشتر عوامل تولید سوق می‌دهد که در رشد اقتصادی نقش به‌سزایی دارد.

معافیت دامپروری از طریق تعلیف: بر طبق فقه جعفری، فقط بر دامهایی که از مراتع

طبیعی تغذیه می‌نمایند زکات وضع شده است و به دامهایی که با روش تعلیف پرورش می‌یابند زکاتی تعلق نمی‌گیرد. چنین نظام مالیاتی آشکارا زمینه رشد اقتصادی پایدار را فراهم می‌آورد. این نظام مالیاتی با رانت منابع طبیعی نیز سازگار است. چون در دامداری مبتنی بر مرتع سهم منابع طبیعی بسیار زیاد است از این رو بر این نوع دامداری زکات تعلق یافته است. از طرف دیگر، این نظام مالیاتی با جانبداری آشکاری از پرورش دام به صورت تعلیف، از بار تحمیل شده به مراتع می‌کاهد و اجازه نمی‌دهد که در اثر استفاده بیش از ظرفیت از مراتع، محیط زیست دچار آسیب جدی شود و توسعه پایدار به مخاطره افتد.

نکته قابل توجه این است که پرورش دام به صورت تعلیف، در نظام تولید صدر اسلام تکنولوژی نوینی به شمار می‌آمده که هم با محیط زیست سازگار بوده و هم بهره‌وری عوامل تولید را افزایش می‌داده است. شاید بتوان از آن حکم الهام گرفت و با توجه به این که نوآوری در کنار افزایش کارایی در خانواده مدل رشد درونزا عنصر تأثیرگذار و مهمی تلقی می‌شود، نظام مالیاتی متداول را به گونه‌ای طراحی نمود که بکارگیری این عنصر به منظور رسیدن به کارایی بالاتر و افزایش بهره‌وری اقتصادی در عین توجه به مسایل زیست محیطی معافیت یا تخفیف‌های مالیاتی به همراه داشته باشد.

بر اساس آموزه‌های اسلامی می‌توان ادعا نمود که مالیات مستقیم بر خلاف عرف متداول نباید به صورت تصاعدی وضع شود چون سیستم تصاعدی موجب تخریب نظام انگیزشی و کاهش کارایی می‌شود بلکه باید مشوق‌هایی در نظام مالیات مستقیم تعبیه شود که کارایی، نوآوری، حفاظت از محیط زیست، افزایش ارزش افزوده و در یک کلمه رشد اقتصادی پایدار را تقویت نماید. این نگاه به گونه‌ای صریح حاکی از این است که اختلاف درآمد ناشی از تفاوت در کارایی، بکارگیری

تکنولوژی‌های متریقی‌تر و مبتنی بر نوآوری و ذخیره R&D غنی‌تر با روح نظام زکوی منافاتی ندارد. آری، ایجاد درآمد از قبل رانت خواری، پول شویی، کسب‌های غیر مجاز، و یا کنز به شدت نهی شده است. بدیهی است که این برداشت قرائت از نظام زکوی با برداشت افرادی چون محمدرضا حکیمی ناهمسو می‌نماید و ممکن است تصور شود که نظام مالیاتی تصاعدی به روح برابری اقتصادی سازگارتر باشد. در این باره در بخش‌های بعدی بحث خواهد شد.

۲-۵-۲- ویژگی‌های خمس مازاد بر مؤنه سنه به مثابه مالیات غیرمستقیم

از آنجا که این مقاله در صدد نیست که تمامی واجبات و مستحبات مالی را مورد بررسی قرار دهد در این مبحث صرفاً خمس مازاد بر مؤنه سنه مورد بحث واقع می‌شود و ویژگی‌های آن را مورد بررسی قرار می‌دهیم. در مبحث گذشته مشخص گردید که زکات به عنوان مالیات مستقیم اهرم مناسبی در جهت افزایش رشد اقتصادی است. در این مبحث نشان داده می‌شود که خمس مازاد بر مؤنه سنه در پرتوی جهان بینی اسلامی و نظام اخلاقی منبعث از آن می‌تواند اهرم مناسبی جهت توزیع عادلانه ثروت عمل کند. در این مبحث به دو ویژگی اساسی خمس اشاره می‌شود:

عبادی بودن خمس: در مبحث گذشته ضمن تأکید بر لزوم با مطلوبیت جنبه عبادی داشتن

تمامی واجبات مالی، اشاره شد که فرآیند تأثیر و تأثر متقابل ایمان و عمل صالح، نظام اخلاقی خاصی را در جامعه پدیدار و مستقر می‌سازد. در اینجا می‌خواهیم نشان دهیم که چگونه این نظام اخلاقی، به صورت درون‌زا مصرف جامعه را به سمت مساوات اسلامی سوق می‌دهد.

تاکنون نشان داده شده است که جهان بینی اسلامی در بعد تولید، نظام هنجاری خاصی را پدید می‌آورد که با رشد اقتصادی پایدار هم‌داستان است و دیدیم که زکات نه تنها مانعی بر رشد اقتصادی ایجاد نمی‌کند بلکه ویژگی‌های آن موجب تشدید رشد اقتصادی می‌شود. با این وجود، در بعد مصرفی جهان بینی اسلامی اقتضاء می‌کند که الگوی مصرفی به سمت مسیر و سطح خاصی همگرا شود و اختلافات درآمدی موجب اختلافات مصرفی نشود. وقتی که انسان مسلمان در پرتوی تعالیم اسلام در می‌یابد که توان اقتصادی او مانند سایر نعمت‌هایی که در اختیار دارد همه از فضل پروردگار متعال ناشی شده است و تلاش او برای آبادانی زمین و افزایش رشد اقتصادی صرفاً شکر نعمت‌هایی است که خداوند به او ارزانی داشته است و اختلافات درآمدی نشانه هیچ افتخار و امتیازی نیست بلکه از نظر اسلامی همه انسان‌ها بدون هیچ طبقه‌بندی مادی از کرامت یکسانی برخوردارند و صرفاً تقوا موجب اختلاف کرامت‌ها می‌گردد، هیچ دلیلی برای اختلاف الگوی مصرفی احساس نمی‌

کند. در این جا این سؤال مطرح می‌شود که: اختلاف شأنی که در فقه اسلامی منعکس شده است چیست؟ پاسخ به این سؤال از دو زاویه قابل بررسی است: نخست این که فقه ناظر به واقعیت‌های خارجی است نه آرمان‌های تحقق نیافته. به عنوان مثال اگر فقه احکام شک در رکعات نماز را بیان می‌کند به این معنا نیست که بروز شک در نماز - که ساحت حضور با خدا است - اشکالی ندارد و لازم نیست که حضور قلب در نماز پدیدار شود، بلکه با نظر به این واقعیت خارجی که نماز نمازگزاران عادی چندان از حضور قلب و توجه تام به نماز برخوردار نیست و چنین نمازی به طور طبیعی در معرض شک در رکعات واقع می‌شود حکم آن را بیان می‌کند. در نگاه دیگر، شأن را می‌توان به عوارض خارج از اختیار مصرف کننده تفسیر نمود. یعنی وقتی که گفته می‌شود شأن مصرف کننده تهرانی چه ضریبی از مصرف کننده روستایی دارد به این معنا نیست که رفاه و برخورداری از امکانات این دو خانواده باید تفاوت داشته باشد بلکه مفهوم آن این است که هزینه زندگی با سطح رفاه یکسان در تهران بیش از روستا است. با این نگاه، اختلاف شأن به اختلاف در الگوی مصرفی نمی‌انجامد. در نتیجه اگر نظام اخلاقی جامعه به سمت مساوات همگرا شود بایستی انتظار داشته باشیم که میل نهایی به درآمد به سمت صفر همگرا شود و همه انسان‌ها مستقل از سطح درآمدی، الگوی مصرفی یکسانی داشته باشند. در صورتی که جامعه، آماده مساوات مطلق نباشد نظام اخلاقی مساوات طلب، میل نهایی در طبقات بالای درآمدی را کم می‌کند.

تصاعدی بودن خمس: صدر (۱۳۷۴: ۱۱۳) ویژگی مهم خمس را در نسبی بودن آن می‌داند در حالی که گیلک حکیم آبادی^۱ (۱۳۷۹: ۱۹۴) معتقد است در مواردی که میل نهایی به مصرف با افزایش درآمد کاهش یابد (فزونی میل نهایی به مصرف در طبقات پایین نسبت به طبقات بالای درآمدی، نرخ متوسط خمس تصاعد ملایمی را تشکیل خواهد داد. به راحتی می‌توان نشان داد که نرخ متوسط خمس حتی با ثابت بودن میل نهایی به مصرف، در تمامی طبقات درآمدی تصاعدی است و در صورتی میل نهایی به مصرف رابطه معکوس با درآمد داشته باشد درجه تصاعدی نرخ متوسط خمس افزایش می‌یابد. این مطلب را در سه سناریوی زیر پیگیری می‌کنیم:

۱- محمد تقی گیلک حکیم آبادی، «تحلیل مقایسه ای آثار توزیعی مالیات بر درآمد در اسلام و نظام مالیات بر درآمد در ایران» مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۵۷، ۱۳۷۹، صص ۲۲۸ - ۱۸۹.

سناریوی اول: فرض می‌کنیم میل نهایی به مصرف (b) از سطح درآمدی مستقل باشد یعنی میل نهایی به مصرف طبقات بالای درآمدی با طبقات پایین درآمدی برابر باشد.

$$C = a + by$$

که C مصرف، a مصرف مستقل و y درآمد خانوار است. در این صورت اگر درآمد از مصرف بیشتر باشد باید خمس مازاد ادا شود در نتیجه خمس (K) برابر خواهد بود با:

$$K = 0.2(y - a - by) = 0.2(1 - b)y - 0.2a \quad y > C$$

$$\frac{K}{y} = 0.2(1 - b) - 0.2 \frac{a}{y}$$

$$\frac{d\left(\frac{K}{y}\right)}{dy} = \frac{0.2a}{y^2}$$

با توجه به مثبت بودن مشتق متوسط خمس به درآمد مشخص می‌شود که نرخ متوسط خمس تصاعدی است.

سناریوی دوم: فرض می‌کنیم که میل نهایی به مصرف رابطه معکوس با y داشته باشد یعنی:

$$b = b(y), b' = \frac{db(y)}{dy} < 0$$

$$\frac{K}{y} = 0.2(1 - b(y)) - 0.2 \frac{a}{y}$$

$$\frac{d\left(\frac{K}{y}\right)}{dy} = -0.2b' + \frac{0.2a}{y^2}$$

با توجه به منفی بودن b' و علامت منفی جمله اول سمت راست مشخص می‌شود که درجه

تصاعدی بودن نرخ متوسط خمس با رابطه معکوس میل نهایی به مصرف افزایش می‌یابد.

سناریوی سوم: فرض می‌گیریم که در اثر بسط نظام اخلاقی مساوات طلب، مصرف مستقل از

درآمد باشد (میل نهایی به مصرف صفر شود). با توجه به این که در اثر تعالیم اسلام، درآمد جامعه در

سطح بالایی قرار داشته باشد می‌توان انتظار داشت که مصرف مستقل همه واحدهای جامعه در سطح

بسیار بالایی قرار داشته باشد.

اگر مصرف مستقل را در سناریوی دوم را a_{old} بنامیم مصرف در این سناریو برابر خواهد با:

$$C = a_{new} \quad a_{new} > a_{old}$$

$$K = 0.2 (y - a_{new}) \quad y > C$$

$$\frac{K}{y} = 0.2 - 0.2 \frac{a_{new}}{y}$$

$$\frac{d\left(\frac{K}{y}\right)}{dy} = \frac{0.2 a_{new}}{y^2}$$

با توجه به این که مصرف مستقل در این سناریو بسیار بزرگتر از مصرف مستقل در سناریوهای قبل است، نتیجه می‌گیریم که درجه تصاعدی خمس در این سناریو از همه سناریوهای دیگر بیشتر خواهد بود.

در نتیجه خمس، مالیات تصاعدی محسوب می‌شود و اگر در پرتوی جهان بینی اسلامی، صاحبان درآمد بالا به واسطه سطح بالای درآمدی برای خود شأن بالاتری در نظر نگیرند باید انتظار داشته باشیم که میل نهایی به مصرف رابطه منفی تری با درآمد داشته باشد و درجه تصاعدی بودن خمس افزایش می‌یابد. هرچه نظام اخلاقی مساوات طلب‌تر باشد درجه تصاعدی خمس بیشتر می‌شود به طوری که در مساوات طلبی کامل درجه تصاعدی بودن خمس به بالاترین حد خود می‌رسد.

۳- نیازمندی نظام مالیاتی اسلام به نظام اخلاقی

بر اساس مطالب گفته شده، نارسایی و شکست نظام مالیاتی متداول به منظور تحقق اهداف رشد اقتصادی و توزیع عادلانه آشکار شد. ممکن است که نظام تصاعدی مالیات مستقیم در جهت رسیدن به هدفی جز اهداف، مذکور، مثل افزایش درآمد مالیاتی، مؤثر باشد ولی آشکارا نظام انگیزشی را مختل می‌سازد و در نتیجه، سیاستی ضد رشد محسوب می‌شود. مالیات بر ارزش افزوده نیز ممکن است از جهاتی جز اهداف مذکور، مثل کاهش گریز مالیاتی، مثبت ارزیابی شود ولی با توجه به خصلت تنازلی آن، توزیع درآمد را تخریب می‌کند و حداکثر بر اساس آنچه که طیب نیا و همکاران (۱۳۸۴) نتیجه گرفته‌اند ممکن است برآیند تصاعدی بودن نظام مالیات مستقیم و تنازلی بودن مالیات بر ارزش افزوده در زمینه توزیع درآمد نزدیک به صفر باشد و استقرار مالیات بر ارزش افزوده مشکلات جدی در زمینه توزیع فراهم نکند.

همچنین توزیع عادلانه به مثابه برابری بر اساس آنچه که آرمان مهر (۱۳۸۵) بر اساس نظریه حکیمی استخراج نموده است رشد اقتصادی را نادیده می‌گیرد و اعمال سیاست‌های دستوری برای تحقق مساوات، انگیزه هرگونه تلاش بیشتر، نوآوری و خلاقیت را از بین می‌برد. علاوه بر این که گزاره‌هایی از نظریه حکیمی حاکی از این بود که بر اساس برداشت ایشان از مجموعه منابع اسلامی درآمد نیز باید متوازن و دارای پراکندگی محدود باشد.

بررسی زکات و خمس نشان داد که اسلام با اعمال وضعیتی تنازلی بر مالیات مستقیم و ایجاد مشوق‌های لازم جهت افزایش کارایی تلاش می‌کند که درآمد افراد تا حد امکان افزایش یابد و نه تنها هیچ محدودیتی^۱ بر افزایش سطح درآمد ایجاد نمی‌کند بلکه آبادانی زمینی را یکی از وظایف انسان مسلمان قلمداد می‌کند. البته بدیهی است که در جهان بینی توحیدی تنها تقرب به خدا به عنوان هدف تلقی می‌شود و اقتصاد با همه اهمیتی که دارد باید وسیله‌ای در جهت تقرب به خدا باشد.

در عین حال خمس مازاد بر مؤنه سنه به مثابه مالیات غیرمستقیم، ماهیتی تصاعدی دارد که برای بهبود توزیع درآمد مؤثر است و هیچ آثار مخربی بر میزان تولید بر جای نمی‌گذارد. میزان تصاعدی بودن و در نتیجه تأثیرگذاری آن بر توزیع درآمد به میزان استقرار نظام اخلاقی مساوات طلب و مآل اندیش بستگی دارد. همان گونه که الهی (۱۳۹۰) اثبات کرده است، می‌توان در چارچوب مدل رشد افق نامحدود نشان داد که جهان بینی توحیدی با تأثیر بر بنیاد خانواده و توسعه مفهومی آن، عقلانیت ابراری^۲ را ایجاد می‌کند. در عقلانیت ابراری همه جامعه انسانی عضو خانواده فرد محسوب می‌شوند. طبیعی است که در این تفکر مساوات به مفهوم دقیق تحقق می‌یابد. از سوی دیگر عنصر مآل اندیشی و کاهش ترجیح مصرف فعلی بر مصرف آتی باعث می‌گردد که □ کاهش یابد (نرخ پس انداز افزایش یابد). همان گونه که رومر (۲۰۱۲ ص ۶۷) نشان داده است مجموعه این تغییرات، سطح رفاه پایدار را به نقطه قاعده طلایی نزدیک می‌کند.

در نتیجه، اثر بخشی زکات و خمس تا حد زیادی به نظام اخلاقی وابسته است و صرفاً با اجرا و پیاده سازی آن بدون ایجاد زمینه‌های لازم اخلاقی و عقیدتی نمی‌توان انتظار داشت که رشد

۱- البته اگر روش‌های غیرقانونی و محرم برای کسب درآمد بکارگرفته شود قطعاً حرام خواهد بود.

۲- با عقلانیت ابراری اشتباه نشود. عقلانیت ابراری اصطلاحی است که الهی به کار گرفته و مفهوم آن، این است که فرد به درجه‌ای از عقلانیت برسد که همه افراد را جزو خانواده خود بداند و بین وابستگان و سایر افراد تمایزی قایل نشود.

اقتصادی توزیع عادلانه ثروت تحقق یابد، در عین حال نقش عنصر اخلاق در اثربخشی خمس بیش از زکات است. دلیل این امر این است که انگیزه رشد اقتصادی و خلق ثروت منحصر به جهان بینی اسلامی نیست بنابراین اعمال مالیات تنازلی مستقیم، کارایی را با هر جهان بینی افزایش می‌دهد ولی همگرایی به الگوی مصرفی مساوات طلب - که زمینه تصاعدی تر شدن نظام خمس را فراهم می‌کند نیازمند عبور از عقبه ای پرمشقت است^۱ که تنها با تخلق به اخلاق خدایی میسر است.

۴- شبیه سازی

فرض کنید که جامعه شامل ۱۰۰ واحد خانوار است و توزیع درآمد بر اساس رابطه زیر بین صدک‌ها شکل گرفته است:

$$Y_i = 2/2 e^{0.02i} \quad i = 1, \dots, 100$$

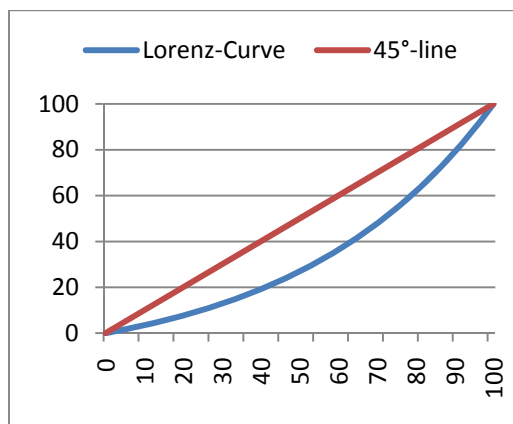
در این جامعه درآمد فقیرترین خانوار (صدک اول) برابر ۲/۲۴ و درآمد غنی ترین (صدک آخر) برابر ۱۶/۲۶ است. نسبت درآمد متوسط دهک آخر به دهک اول کمی بیش از ۶ برابر است ضریب جینی این جامعه بر اساس فرمول زیر:

$$GC = \int_0^{100} \frac{1}{100} (i - 2.2e^{0.02i}) di = 42.97\%$$

برابر با ۴۲/۹۷٪ است. در سه سناریوی زیر روابط مصرفی این جامعه طراحی و نمودار خمس

استخراج شده است.

نمودار (۱۲) - منحنی لورنز جامعه فرضی



۱- اشاره به آیه ۱۱ سوره بلد: فلا اقتحم العقبة.

سناریوی اول: فرض می‌گیریم که میل نهایی به مصرف در بین تمامی خانوارها ۰/۹۵ و مصرف مستقل ۰/۲۵ باشد. در این صورت از صدک چهل و دوم به بعد، مکلف به خمس خواهند بود و مجموع خمس پرداختی برابر با

$$K_j = 0.2 \sum y_i - c_i = 2.74 \quad j = 42, \dots, 100$$

در این سناریو نرخ متوسط خمس تصاعدی و میزان آن به این صورت است:

$$\frac{d\left(\frac{k}{y}\right)}{dy} = \frac{0.05}{y^2}$$

سناریوی دوم: در این سناریو مصرف مستقل ۰/۲۵ و میل نهایی به مصرف به صورت زیر

تعریف شده است:

$$b_i = e^{-0.01y}$$

در این سناریو نیز از صدک چهل و دوم به بعد مکلف به تأدیه خمس خواهند بود و میزان خمس پرداختی برابر ۸/۵۳ می‌باشد. نرخ متوسط خمس تصاعدی و نیز میزان آن برابر با رابطه زیر خواهد بود.

$$\frac{d\left(\frac{k}{y}\right)}{dy} = 0.002e^{-0.01y} + \frac{0.05}{y^2}$$

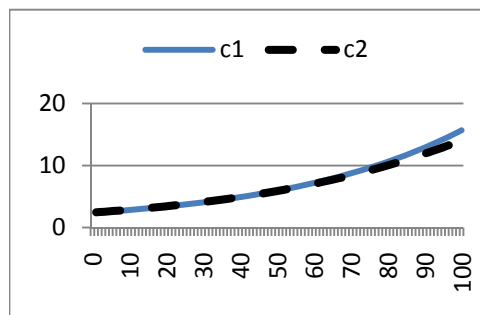
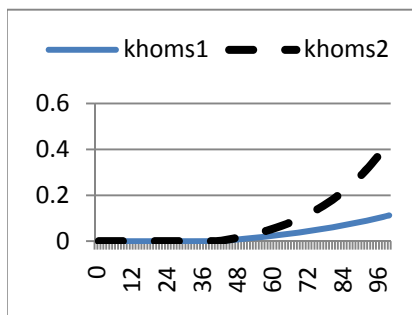
در نمودارهای (۱۳) تا (۱۵) به ترتیب نمودار مصرف، نمودار خمس و نمودار میزان تصاعدی بودن

خمس متوسط برای سناریوی دوم و سوم رسم شده است.

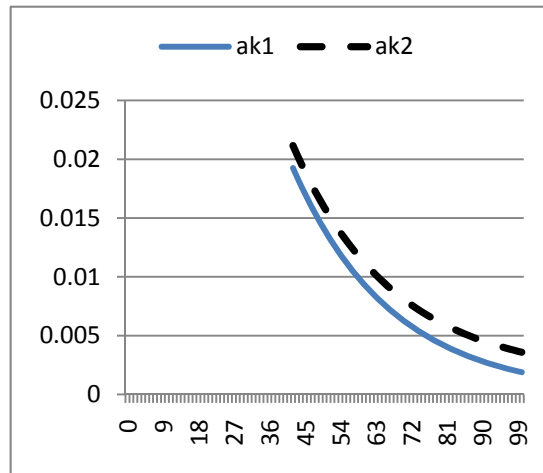
نمودار (۱۳) - مصرف مقایسه‌ای سناریوی اول و نمودار (۱۴) - خمس مقایسه‌ای سناریوی

اول و دوم

دوم



نمودار (۱۵) - درجه تصاعدی مقایسه‌ای سناریوی اول و دوم



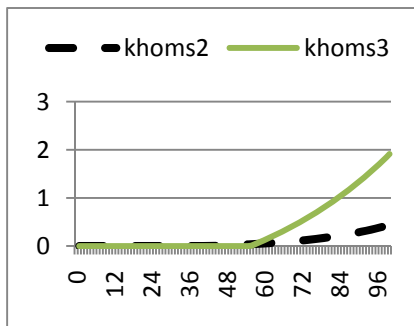
سناریوی سوم: در این سناریو فرض شده است که مصرف همه خانوارها مساوی و به اندازه مصرف خانوارها در سناریوی دوم باشد. در این حالت از خانوار ۵۶ به بعد مکلف به تأدیه خمس هستند و میزان خمس ۳۷/۱۳ می‌باشد که ۴/۳ برابر خمس سناریو دوم و ۱۳/۶ برابر خمس سناریو اول است. نرخ متوسط خمس در این سناریو از دو سناریوی قبلی تصاعدی‌تر است و بر اساس رابطه زیر بدست می‌آید:

$$\frac{d\left(\frac{k}{y}\right)}{dy} = \frac{1.34}{y^2}$$

در هر سه سناریو از میزان تصاعدی بودن خمس متوسط با افزایش درآمد کاسته می‌شود. در نمودارهای (۱۶) تا (۱۸) به ترتیب نمودار مصرف، نمودار خمس و نمودار میزان تصاعدی بودن خمس متوسط برای سناریوی دوم و سوم رسم شده است.

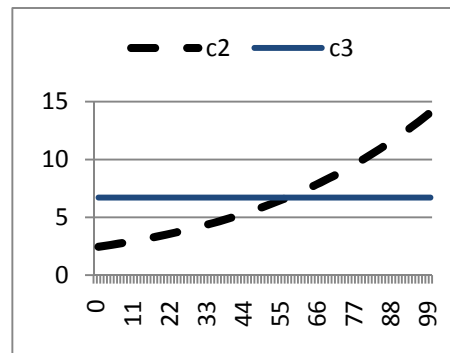
نمودار (۱۷) - خمس مقایسه‌ای

سناریوی دوم و سوم

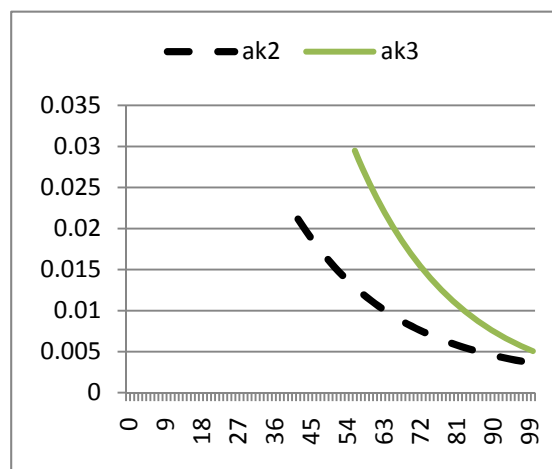


نمودار (۱۶) - مصرف مقایسه‌ای سناریوی دوم و سوم

سوم



نمودار (۱۸) - درجه تصاعدی مقایسه‌ای سناریوی دوم و سوم



این شبیه سازی به خوبی نشان می‌دهد که برای یکسان سازی الگوی مصرف بایستی نرخ خمس متوسط تصاعدی تر باشد.

۵- نتیجه گیری

اهداف نظام مالیات متداول بیشتر معطوف به تأمین مالی درآمد دولت از طریق فرایندی سهل و روان است که گریز مالیاتی را به حداقل برساند. از این رو معمولاً مالیات مستقیم صیغه‌ای تصاعدی و مالیات غیرمستقیم - که معمولاً از طریق مالیات بر ارزش افزوده جمع آوری می‌شود - ماهیتی تنازلی دارد. این طراحی سیستم مالیاتی، نظام انگیزشی را تخریب و نظام توزیعی را نابرابرتر می‌سازد. با تأمل در نظام زکوی و خمس در می‌یابیم که زکات ماهیتی تنازلی و خمس ماهیتی تصاعدی دارد. این نشان می‌دهد که اسلام به جای این که دغدغه توزیع عادلانه درآمد داشته باشد، در پی توزیع عادلانه ثروت و مساوات در الگوی مصرف است. اسلام از طریق گسترش نظام اخلاقی مساوات طلب و مال اندیش تلاش می‌نماید که مصرف از درآمد مستقل شود یا دست کم میل نهایی در اқشار پردرآمدتر با سرعت بیشتری کاهش یابد. چنین تغییراتی موجب می‌شود که خمس ماهیتی تصاعدی تر بیابد و به توزیع ثروت به طور عادلانه کمک نماید. اثر بخشی این دو واجب مالی - به ویژه خمس - تا اندازه بسیار زیادی به نهادینه شدن جهان بینی اسلامی بستگی دارد.

فهرست منابع

- ۱- قرآن مجید.
- ۲- آرمان مهر، محمد رضا (۱۳۸۵)، بررسی تطبیقی و نقد معیارهای عدالت اقتصادی در اندیشه جان رالز و محمدرضا حکیمی، پایان نامه کارشناسی ارشد تحت راهنمایی ناصر الهی، دانشگاه مفید.
- ۳- آقای، الله محمد و اکبر کمیجانی (۱۳۸۰)، "مبانی نظری مالیات بر ارزش افزوده و مزایای آن در راستای اصلاح نظام مالیاتی"، فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی، سال اول، ش ۱.
- ۴- الهی، ناصر (۱۳۹۰)، تأثیر حج ابراهیمی بر رفتار عاملان اقتصادی برای تأمین توسعه پایدار - تحلیلی بر اساس مدل رشد فراگیری با انجام کار با نرخ پس انداز درونزا، مجموعه مقالات همایش حج و اقتصاد، سازمان حج.
- ۵- حکیمی، محمدرضا (۱۳۸۳)، عقل سرخ، قم؛ انتشارات دلیل ما.
- ۶- طیب نیا، علی؛ علیرضا رفیعی و محسن یزدان پناه (۱۳۸۴)، بررسی اثرات احتمالی اجرای مالیات بر ارزش افزوده در ایران بر نابرابری، مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۶۸، صص: ۳۰۵-۳۳۶.
- ۷- الکلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۴۶)، الاصول من الکافی، تهران: دار الکتب اسلامیه.
- ۸- گیلک حکیم آبادی، محمد تقی (۱۳۷۹): تحلیل مقایسه ای آثار توزیعی مالیات بر درآمد در اسلام و نظام مالیات بر درآمد در ایران، تحقیقات اقتصادی، شماره ۵۷، صص: ۱۸۹-۲۲۸.
- ۹- لشکری، علیرضا (۱۳۹۰)، "جایگاه ملاحظات عدالتخواهانه در رهیافت مالیاتی اسلام و مالیات بر ارزش افزوده در ایران"، مجموعه مقالات سومین همایش مالیات‌های اسلامی، همگرایی مالیات‌های اسلامی و مالیات‌های موجود و جدید، دانشگاه مفید.
- ۱۰- یزدبان، جمشید (۱۳۸۵)، «چالش‌های نظام مالیاتی در اقتصاد ایران» دو ماهنامه مجلس و راهبرگ، شماره ۴۳ زمستان، صص ۲۶ - ۱۱.
11. Kiefer, Donald W. (2005), Progressivity, Measures of. In J.J. Cordes, R.D. Ebel, & J.G. Gravelle (Eds.), The Encyclopedia of Taxation and Tax Policy (pp. 304-307). Washington, D.C.: The Urban Institute Press.
12. Kuznets, Simon (1955), "Economic Growth and Income Inequality", The American Economic Review 45 (1): 1-28

13. Lewis, Arthur (1954), "Economic Development with Unlimited Supplies of Labour", *The Manchester School* 22: 139-91.
14. Mathews, Timothy (2011), *Insights on Measurements of and Recent Trends in Tax Progressivity*, Department of Economics, Finance, and Quantitative Analysis, Coles College of Business, Kennesaw State University.
15. OECD (2012), "Income inequality and growth: The Role of Taxes and Transfers", *OECD Economics Department Policy Notes*, No. 9.
16. Tinbergen, Jan (1956), *Economic Policy: Principles and Design*, North Holland Pub.co.

